

# بررسی رابطه علی بین شاخص ادراک فساد اداری و شاخص فقر انسانی در کشورهای منطقه MENA

m.motafakker@gmail.com

محمدعلی متفکرآزاد

استاد گروه اقتصاد، دانشگاه تبریز

مجید فشاری

majid.feshari@gmail.com

استادیار دانشکده اقتصاد، دانشگاه علوم اقتصادی

(نویسنده مسئول مکاتبات)

پذیرش: ۱۳۹۱/۲/۲۴

دریافت: ۱۳۹۱/۲/۹

**چکیده:** بررسی تأثیر شاخص ادراک فساد اداری بر فقر و نابرابری درآمد در ادبیات اقتصاد کلان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده، و بخش عمده‌ای از مطالعه‌های تجربی را در سال‌های اخیر به خود اختصاص داده است. به جهت این امر، هدف اصلی مطالعه حاضر بررسی رابطه علی بین دو متغیر شاخص فقر انسانی و ادراک فساد اداری در کشورهای عضو منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا طی سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۰۳ بود. برای دستیابی به این هدف، الگوی تجربی پژوهش با استفاده از رهیافت داده‌های تابلویی پویا تخمین زده شد. نتایج حاصل از تخمین الگو دلالت بر وجود رابطه علی دو طرفه بین متغیرهای فساد اداری و شاخص فقر انسانی دارد، بنابراین افزایش شاخص ادراک فساد (کاهش فساد اداری) در این گروه کشورها می‌تواند زمینه را برای کاهش شاخص فقر انسانی و افزایش رشد اقتصادی فراهم آورد. علاوه بر این، کاهش شاخص فقر انسانی نیز می‌تواند منجر به بهبود شاخص ادراک فساد اداری در کشورهای مورد بررسی شود.

**کلیدواژه‌ها:** فساد اداری، شاخص فقر انسانی، رهیافت داده‌های تابلویی پویا، کشورهای منطقه منا، رابطه علی.  
طبقه‌بندی JEL: K42, I3, C23

## مقدمه

بررسی موضوع فقر و عوامل مؤثر بر آن از جنبه‌های مختلف اقتصادی حایز اهمیت بوده و قابل بررسی است. نارسایی‌های بخش‌های اقتصادی، رکود، بیکاری شدید، تغییرات جمعیتی و سایر عوامل اقتصادی و اجتماعی مختلف موجب شده است تا خانوارهای کم‌درآمد در اغلب کشورها در معرض فقر قرار گرفته و اقشار محروم از کمک‌های دولت و سایر امکانات جامعه بهره‌مند نشوند. لذا توجه و نگرشی نو نسبت به فقر و عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر آن در دهه‌های اخیر مورد توجه اقتصاددانان قرار گرفته است. در این راستا یکی از متغیرهای مهمی که می‌تواند فقر و نابرابری درآمد را تحت تأثیر قرار دهد، متغیر فساد اداری است. فساد اداری از طریق کاهش رشد اقتصادی زمینه را برای افزایش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی فراهم نموده و منجر به افزایش فقر در جوامع می‌شود. همچنین افزایش فقر نیز از طریق تضعیف مؤسسه‌ها و سازمان‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، فساد اداری را افزایش می‌دهد. مروری بر پژوهش‌های انجام شده در این زمینه، بیان‌گر آن است که بین فساد اداری و شاخص‌های فقر، صرفاً یک رابطه یک‌طرفه وجود دارد، به طوری که در مطالعه‌های You & Khagram (2005) و Husted (1999), Gupta *et al.* (1998), Gyimah & Brempong (2002) رابطه علی یک‌طرفه از سوی فساد اداری به شاخص‌های فقر و نابرابری درآمد در کشورهای در حال توسعه مورد تأیید قرار گرفته است. نکته قابل توجه در بررسی رابطه بین این دو متغیر آن است که در اغلب پژوهش‌های انجام شده رابطه یک‌سویه بین این دو متغیر برقرار بوده، در حالی که بر اساس مباحث نظری، این رابطه می‌تواند به عنوان یک رابطه دوطرفه تلقی شود. بنابراین به منظور پرکردن خلأ مطالعاتی در این زمینه، در مطالعه حاضر سعی شده است با استفاده از رهیافت داده‌های تابلویی پویا و تخمین‌زننده گشتاور تعمیم‌یافته، به بررسی و مطالعه رابطه علی بین دو متغیر فساد اداری و شاخص فقر انسانی در گروه کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا طی سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۰۳ پرداخت.

## مبانی نظری پژوهش

در این بخش ابتدا مفهوم فساد اداری و انواع آن بیان شده و در قسمت دوم به بررسی عوامل مؤثر بر فقر با تأکید بر فساد اداری پرداخته می‌شود.

۱. با توجه به دسترسی به آمار و اطلاعات، شاخص ادراک فساد اداری برای اغلب کشورهای عضو منطقه خاورمیانه، شمال آفریقا و به ویژه ایران از سال ۲۰۰۳ به بعد مورد بررسی قرار گرفت، لذا دوره زمانی این مطالعه به سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۰۳ محدود شده است.

## مفهوم فساد اداری

صاحب‌نظران و کارشناسان علوم اجتماعی تعاریف مختلف و در برخی مواقع، تعاریف مشابهی از فساد اداری ارائه نموده‌اند. به عنوان نمونه اسکات معتقد است، فساد اداری به رفتاری اطلاق می‌شود که در آن فرد به دلیل تحقق منافع خصوصی خود و دستیابی به رفاه بیشتر و یا موقعیت بهتر خارج از چارچوب رسمی وظایف، یک نقش دولتی را بر عهده داشته باشد. از نظر هانتینگتن فساد اداری به مجموعه رفتارهای آن دسته از کارکنان بخش عمومی اطلاق می‌شود که در جهت منافع غیرسازمانی، ضوابط و عرف پذیرفته شده را نادیده می‌گیرد، به عبارت دیگر فساد، ابزاری نامشروع برای برآوردن تقاضاهای نامشروع از نظام اداری است (فرهادی‌نژاد، ۱۳۸۸).

## انواع فساد اداری

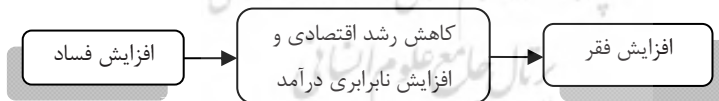
فساد اداری به وضعیتی در نظام اداری گفته می‌شود که در اثر تخلفات مکرر و مستمر کارکنان به وجود می‌آید و جنبه‌ای فراگیر دارد که در نهایت، آن را از کارآیی و اثربخشی مورد انتظار باز می‌دارد. این تخلف‌ها که به‌طور مجموع به فساد اداری منجر می‌شود انواع مختلفی دارند که عبارتند از:

- ۱- فساد مالی که خود به چندین نوع تقسیم می‌شود: ارتشا؛ اختلاس؛ فساد در خریدهای دولتی از بخش خصوصی؛ فساد در قراردادهای مقاطعه‌کاری دولت با پیمان‌کاران؛ فساد مالیاتی؛
- ۲- استفاده شخصی از اموال دولتی؛
- ۳- کم‌کاری، گزارش مأموریت کاذب، صرف وقت در اداره برای انجام کارهایی به غیر از وظیفه اصلی؛
- ۴- سرقت اموال عمومی از سوی کارکنان؛
- ۵- اسراف و تبذیر؛
- ۶- ترجیح روابط بر ضوابط؛
- ۷- فساد در شناسایی و مبارزه با قانون‌شکنی (تساهل و تسامح نسبت به فساد)؛
- ۸- فساد در ارائه کالاها و خدمات دولتی؛
- ۹- فساد در صدور مجوز برای فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی؛
- ۱۰- فساد استخدامی (عدم رعایت ضوابط و معیارهای شایستگی در گزینش، انتخاب و ارتقای افراد در سازمان) (فرهادی‌نژاد، ۱۳۸۸).

پس از بیان مفهوم فساد اداری و انواع آن به بررسی عوامل مؤثر بر فقر با تأکید بر شاخص

فساد اداری پرداخته می‌شود. بررسی رابطه بین فساد اداری و فقر از سال ۱۹۹۰ به بعد در ادبیات اقتصاد کلان مورد توجه اقتصاددانان قرار گرفته است. از نقطه نظر تئوریک فساد اداری از طریق تأثیرگذاری بر رشد اقتصادی می‌تواند بر فقر و نابرابری درآمد تأثیرگذار باشد. فساد اداری می‌تواند از طریق کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی منجر به افزایش نااطمینانی در محیط اقتصادی شده و رشد اقتصادی را کاهش دهد، بنابراین با کاهش رشد اقتصادی نیز می‌توان انتظار داشت فقر و نابرابری درآمد گسترش یابد. از طرف دیگر ارتقای فساد اداری می‌تواند زمینه کاهش درآمدهای مالیاتی دولت را فراهم نموده و به کاهش رشد اقتصادی و افزایش فقر و نابرابری درآمد کمک نماید. همچنین افزایش فساد اداری منجر به مختل شدن ترکیب مخارج دولت شده و سهم مخارج آموزشی و بهداشتی دولت را کاهش می‌دهد. با کاهش این نوع هزینه‌ها رشد اقتصادی کاهش یافته و به تبع آن فقر و نابرابری درآمد افزایش می‌یابد (Chetwynd *et al.*, 2003).

در ادبیات نظری مربوط به بررسی ارتباط بین دو متغیر فساد اداری و فقر و نابرابری درآمد، دو الگوی اقتصادی<sup>۱</sup> و حاکمیتی<sup>۲</sup> وجود دارد. الگوی اقتصادی که توسط Rose-Ackerman (1978) و Krueger (1974) ارائه شده است، بیان می‌کند فساد اداری می‌تواند از طریق عوامل و متغیرهای اقتصادی، میزان فقر را تحت تأثیر قرار دهد. به بیان دیگر، افزایش فساد اداری منجر به کاهش میزان سرمایه‌گذاری شده و با افزایش ناکارایی اقتصادی به کاهش رقابت کمک می‌کند. بنابراین با کاهش رقابت و افزایش هزینه‌های تجارت، میزان نابرابری درآمد و فقر در اقتصاد افزایش پیدا می‌کند<sup>۳</sup>. تأثیر فساد اداری بر نابرابری درآمد و فقر در الگو اقتصادی را می‌توان در قالب ارتباط زیر بیان نمود:



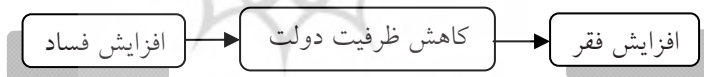
نمودار ۱: الگوی اقتصادی برای تبیین ارتباط بین فساد اداری و فقر  
منبع: Chetwynd *et al.*, 2003

1. Economic Model
2. Governance Model

۳. از نقطه نظر مطالعه‌های تجربی نیز در پژوهش‌های انجام شده توسط Gupta *et al.* (1998) و Dincer & (2008) و Gunalp از این الگو برای بررسی تأثیر فساد اداری بر فقر استفاده شده است.

الگوی دیگر که توسط Kaufmann *et al.* (1999) مطرح شده است به الگوی حاکمیتی<sup>۱</sup> معروف بوده و بیان می‌کند فساد اداری از طریق تأثیرگذاری بر متغیرهای مدیریتی بر میزان فقر مؤثر می‌باشد. فساد اداری منجر به استفاده نامناسب از ظرفیت سازمان دولتی در ارائه خدمات دولتی می‌شود. همچنین فساد اداری از کانال انتقال سرمایه‌گذاری دولتی به طرح‌های سرمایه‌ای و غیرضروری و افزایش فشار بر بودجه دولت- به افزایش فقر و نابرابری درآمد کمک می‌کند. علاوه بر این، افزایش فساد اداری می‌تواند از طریق کاهش سرمایه‌گذاری بهداشتی و آموزشی منجر به تغییر ترکیب مخارج دولت شده و مخارج دولت را به سمت فعالیت‌های غیرمولد هدایت نماید. بنابراین با کاهش این نوع هزینه‌های دولت، رشد اقتصادی کاهش یافته و از این طریق فقر و نابرابری درآمد افزایش می‌یابد. از سوی دیگر تأثیرگذاری فساد اداری بر فقر می‌تواند از کانال تأثیرگذاری آن بر اعتماد عمومی<sup>۲</sup> صورت گیرد. در صورتی که فساد اداری افزایش یابد، می‌توان انتظار داشت که اعتماد عمومی نسبت به سازمان‌ها و مؤسسات دولتی کاهش یافته و از این طریق رشد اقتصادی کاهش یابد. با کاهش تولید و رشد اقتصادی نیز فقر و نابرابری درآمد افزایش می‌یابد.<sup>۳</sup>

نحوه تأثیرگذاری فساد اداری بر افزایش فقر از طریق الگوی حاکمیتی در قالب نمودار زیر نشان داده می‌شود:



نمودار ۲: ارتباط بین فساد اداری و فقر در الگوی حاکمیتی  
 منبع: Chetwynd *et al.*, 2003

علاوه بر متغیر فساد اداری، از متغیرهای مهم و تأثیرگذار بر میزان فقر، بی‌ثباتی و ناپایداری اقتصادی است که به‌طور معمول توسط شاخص‌های مختلف نظیر نرخ تورم اندازه‌گیری می‌شوند. افزایش نرخ رشد شاخص قیمت‌ها (نرخ تورم) منجر به کاهش دستمزدهای حقیقی و دارایی‌ها در کشورهای فقیر نسبت به کشورهای غنی و ثروتمند می‌شود. بنابراین نرخ تورم به‌عنوان یکی از موانع

1. Governance Model
2. Public Trust

۳. در ادبیات تجربی همانند مطالعه Chetwynd *et al.* (2003) از این الگو برای ارزیابی ارتباط بین فساد اداری، فقر و نابرابری درآمد استفاده شده است.

مهم و اساسی رشد اقتصادی محسوب شده و کاهش رشد اقتصادی، به تنزل درآمد سرانه و افزایش نابرابری درآمد و فقر منجر می‌شود. از دیگر متغیرهای مهم و مؤثر بر میزان فقر در کشورها، متغیر نرخ مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی بخش دولتی است. افزایش نرخ مشارکت زنان در بخش‌های دولتی منجر به کاهش فساد اداری در بخش دولتی شده، به طوری که با فرض برابری سطوح آموزشی و آزادی مدنی کشورها و حتی مؤسسات و سازمان‌های قانونی، افزایش میزان مشارکت زنان به کاهش فساد اداری در بخش‌های دولتی می‌انجامد. بنابراین یکی از راه‌کارهای کاهش میزان فقر در جوامع و به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه و فقیر، توانمندسازی زنان و ارتقای میزان مشارکت آنان در فعالیتهای اقتصادی بخش دولتی است. متغیرهای ثبات اقتصادی و آزادی سیاسی یکی دیگر از عوامل مؤثر بر میزان فقر هستند. آزادی سیاسی و ثبات اقتصادی از طریق افزایش ظرفیت‌ها و توانمندی‌های جامعه به افزایش امنیت اقتصادی کمک می‌نماید. بنابراین مقامات دولتی با فراهم نمودن برنامه‌هایی برای اصلاح قوانین و مقررات دولتی و بهبود مسئولیت‌پذیری و همچنین ایجاد فرصت‌های جدید برای افراد فقیر، می‌توانند به کاهش فقر و نابرابری درآمد کمک نمایند. از دیگر متغیرهای تأثیرگذار بر میزان فقر، متغیر نسبت جمعیت روستایی از کل جمعیت است. نحوه تأثیرگذاری این متغیر بر شاخص‌های فقر بدین صورت است که با افزایش جمعیت روستایی نسبت به جمعیت شهری و ارتقای زیرساخت‌ها و امور زیربنایی در مناطق روستایی، انتظار بر این است که رشد اقتصادی افزایش یافته و از طریق تقویت دولت محلی، میزان فقر و نابرابری درآمد کاهش یابد.

در جمع‌بندی مطالب ارائه شده در بخش مبانی نظری می‌توان استدلال نمود که از متغیرهای مؤثر بر فقر، شاخص ادراک فساد اداری بوده که لازم است در بخش تجربی نیز تأثیر این متغیر در کنار سایر متغیرهای توضیحی مؤثر بر شاخص فقر انسانی مورد آزمون قرار گیرد.

### پیشینه پژوهش

در زمینه بررسی رابطه بین متغیرهای فساد اداری و شاخص‌های فقر انسانی در کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا مطالعه‌ای انجام نشده است. اغلب پژوهش‌های انجام شده در این حوزه، به‌طور عمده به بررسی رابطه یک‌طرفه بین شاخص فقر انسانی و فساد اداری در کشورهای در حال توسعه پرداخته و بررسی رابطه علی دوطرفه بین این دو متغیر در مطالعات تجربی صورت نگرفته است. در ادامه به مهمترین پژوهش‌های مشابه انجام شده خارجی و داخلی پرداخته می‌شود.

Gupta et al. (1998)، در مطالعه‌ای با استفاده از رهیافت داده‌های تابلویی به بررسی تأثیر فساد

بر فقر و نابرابری درآمد در ۸۷ کشور طی سال‌های ۱۹۹۷-۱۹۸۰ پرداختند. نتایج مطالعه آنها بیانگر آن است که سیاست‌هایی که باعث کاهش فساد در این کشورها می‌شود، فقر و نابرابری درآمدی را نیز کاهش می‌دهد. به عبارت دیگر رابطه مثبتی بین فساد و فقر در کشورهای مورد بررسی وجود دارد. Karstedt (2001)، به بررسی رابطه بین نابرابری درآمد و فساد در ۳۵ کشور عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی پرداخته است. نتایج مطالعه نشان‌گر آن است که رابطه مستقیم بین نابرابری درآمد و فساد وجود دارد. همچنین رابطه بین نابرابری درآمد و فساد در این کشورها به صورت غیرخطی می‌باشد. در این کشورها پس از رسیدن به نقطه خاصی از نابرابری درآمد، فساد اداری به صورت تصاعدی کاهش پیدا می‌کند. Justice (2002)، در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر فساد اداری بر فقر در دو کشور کنیا و بوتسوانا طی سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۹۱ پرداخته است. نتایج حاصل از این مطالعه بیانگر تأثیر مثبت و معنی‌دار فساد بر فقر در این کشورها می‌باشد. Chetwynd *et al.* (2003)، در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر فساد بر فقر در آمریکا طی سال‌های ۲۰۰۱-۱۹۹۲ پرداخته‌اند. نتایج مطالعه آنان نشان می‌دهد که فساد به طور مستقیم منجر به فقر نشده و از طریق عوامل اقتصادی و دولتی بر فقر تأثیرگذار است. You & Khagram (2005)، با بهره‌گیری از روش حداقل مربعات دو مرحله‌ای به بررسی تأثیر فقر بر فساد در ۱۲۹ کشور منتخب در حال توسعه پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که نابرابری درآمدی بر شاخص فساد اداری تأثیر مثبت و معنی‌دار دارد. Fofana & Francis (2006)، در مطالعه‌ای به بررسی رابطه علی بین فساد، فقر و رشد اقتصادی در ۱۸ کشور آفریقایی طی سال‌های ۲۰۰۱-۱۹۹۶ پرداخته‌اند. نتایج مطالعه آنان نشان می‌دهد که یک رابطه علی مثبت از فقر به رشد اقتصادی وجود دارد، به عبارت دیگر اطلاعات گذشته در مورد وضعیت توسعه انسانی منجر به بهبود رشد اقتصادی می‌شود. همچنین یک رابطه علی یک‌طرفه از رشد اقتصادی به فساد و نابرابری وجود دارد، علاوه بر این رابطه علی یک‌طرفه از فساد به نابرابری وجود داشته و نابرابری و فساد اداری موجب کاهش رشد اقتصادی در کشورهای مورد بررسی می‌شود. Oriaku *et al.* (2008)، در مطالعه‌ای به بررسی رابطه بین فقر و فساد در ۱۰ کشور آفریقایی طی سال‌های ۲۰۰۶-۱۹۹۵ پرداختند. نتایج مطالعه آنها مبین این است که یک رابطه دوطرفه بین فساد و فقر در این کشورها طی سال‌های مورد بررسی برقرار می‌باشد. Dincer & Gunalp (2008)، به بررسی رابطه بین فساد، نابرابری درآمد و فقر در ۵۰ ایالت آمریکا طی سال‌های ۱۹۹۷-۱۹۸۱ پرداخته‌اند. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که فساد باعث افزایش فقر و نابرابری در ایالات متحده آمریکا طی سال‌های مورد بررسی شده است. Negin *et al.* (2010)، به بررسی رابطه علی بین فقر و فساد در ۹۷ کشور در حال توسعه با استفاده

از روش داده‌های تابلویی پویا طی سال‌های ۲۰۰۶-۱۹۹۷ پرداختند. نتایج مطالعه نشانگر رابطه علی دوطرفه بین فقر و فساد است.

(Wu & Zhu (2011) در مطالعه‌ای با استفاده از الگوی خودرگرسیون برداری به بررسی ارتباط بین متغیرهای نابرابری درآمد و فساد اداری در چین طی سال‌های ۲۰۰۹-۱۹۸۰ پرداختند. یافته‌های این مطالعه نشان داد که فساد اداری تأثیر منفی و معنی‌داری بر رشد اقتصادی و نابرابری درآمد دارد. (Dobson & Dobson (2012) در مطالعه‌ای با استفاده از روش داده‌های تابلویی به بررسی تأثیر فساد اداری بر نابرابری درآمد در کشورهای آمریکای لاتین طی سال‌های ۲۰۱۰-۱۹۹۵ پرداختند. آن‌ها در این مطالعه به این نتیجه رسیدند که افزایش فساد اداری منجر به افزایش نابرابری درآمد در این گروه از کشورها شده است.

مروری بر مطالعات داخلی بیانگر این است که مطالعه مستقیمی در خصوص بررسی رابطه علی بین متغیرهای فساد اداری و شاخص فقر انسانی در داخل کشور و یا منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا انجام نشده و مطالعه‌های انجام شده هر کدام با استفاده از رویکردها و روش‌های اقتصادسنجی مختلف، تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر نابرابری درآمد و فقر را مورد مطالعه قرار داده‌اند که از جمله مهمترین این پژوهش‌ها می‌توان به مطالعات باقری و کاوند (۱۳۸۷)، پیرایی و قناعتیان (۱۳۸۵)، حسن‌زاده و فوزمسلمیان (۱۳۸۹)، ابونوری و عباسی‌قادری (۱۳۸۶)، پیرحیاتی و همکاران (۱۳۸۸) و عساری‌آرانی و همکاران (۱۳۸۸) اشاره نمود. در این مطالعه‌ها تأثیر متغیرهای رشد اقتصادی، تجارت خارجی و توسعه مالی بر فقر و نابرابری درآمد در ایران و کشورهای در حال توسعه بررسی شده و نتایج متفاوتی در زمینه تأثیرگذاری هر یک از این متغیرها بر شاخص فقر حاصل شده است.

در جمع‌بندی پژوهش‌های انجام شده خارجی و داخلی در زمینه بررسی رابطه علی بین متغیرهای فساد اداری و شاخص فقر انسانی، می‌توان بیان کرد که تاکنون مطالعه تجربی در بررسی رابطه علی دوطرفه بین این دو متغیر در داخل کشور و یا کشورهای عضو منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا انجام نشده است، لذا وجه تمایز این مطالعه با پژوهش‌های قبلی در بررسی رابطه علی بین این دو متغیر برای کشورهای منطقه منا و استفاده از رهیافت داده‌های تابلویی پویا در قالب تخمین‌زننده گشتاور تعمیم‌یافته است.

## روش پژوهش

برای تخمین الگوی تجربی پژوهش از رهیافت داده‌های تابلویی پویا در قالب تخمین‌زننده گشتاور



تعمیم یافته استفاده شده است. روش داده‌های تابلویی پویا یکی از روش‌های تخمین مناسب در داده‌های تابلویی بوده، به طوری که این روش اثرات تعدیل پویای متغیر وابسته را در نظر می‌گیرد. از طرف دیگر اگر مشکل درون‌زایی بین متغیر و یا متغیرهای توضیحی وجود داشته باشد، این روش می‌تواند با به‌کارگیری متغیرهای ابزاری این نقیصه را برطرف نماید. در این روش به‌منظور حفظ سازگاری ضرایب برآورد شده لازم است از روش دومرحله‌ای استفاده شود. بدین ترتیب که ابتدا معتبر بودن متغیرهای ابزاری تعریف شده در الگو مورد آزمون قرار گیرد که برای این منظور از آزمون سارگان استفاده شده است. سپس در مرحله بعد مرتبه خودهمبستگی جملات اختلال مورد آزمون قرار گیرد، زیرا در صورتی که مرتبه خودهمبستگی جملات اختلال از مرتبه دو باشد، روش تفاضل‌گیری مرتبه اول برای حذف اثرات ثابت و انفرادی کشورها روش مناسبی نخواهد بود<sup>۱</sup>.

## تجزیه و تحلیل داده‌ها

### معرفی الگو و پایگاه داده‌های آماری

بر اساس مبانی نظری و پژوهش‌های تجربی (Dincer & Gunalp (2008), Wu & Zhu (2011) و Dobson & Dobson (2012) الگو تصریح شده برای بررسی رابطه علی بین دو متغیر فساد اداری و شاخص فقر انسانی به صورت زیر می‌باشد:

$$y_{it} = \alpha + \sum_{j=1}^m \delta_j y_{i,t-j} + \sum_{i=1}^n \beta_i x_{i,t-i} + \sum_{k=1}^r \gamma_k z_{i,t-k} + u_{it} \quad (1)$$

در الگو فوق، X و Y بیانگر متغیرهای شاخص ادراک فساد اداری (CPI) و شاخص فقر انسانی (HPI)<sup>۲</sup> بوده و بردار Z شامل متغیرهای کنترلی الگو نظیر نرخ تورم (INF)، کیفیت مقررات تنظیمی (RQ)<sup>۳</sup>، نرخ مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی (GENDER)، نسبت جمعیت روستایی به کل جمعیت (Rural) و نسبت جمعیت شهری به کل جمعیت (Urban) است<sup>۴</sup>. متغیر شاخص ادراک فساد<sup>۵</sup> یکی از متغیرهای مورد استفاده در مطالعه‌های تجربی برای اندازه‌گیری فساد اداری در کشورها

۱. برای مطالعه بیشتر در خصوص رهیافت داده‌های تابلویی پویا به Baltagi (2009) مراجعه شود.

2. Human Poverty Index

3. Regulatory Quality

۴. شایان ذکر است که در این الگو تمامی متغیرها در قالب فرم تبعی خطی استفاده شده و به صورت لگاریتمی مورد استفاده قرار نگرفته‌اند.

5. Corruption Perception Index

می‌باشد. مقدار عددی این شاخص بین صفر و ده قرار داشته و در صورتی که این شاخص به عدد ۱۰ میل نماید، بیانگر بهبود وضعیت کشورها در فساد اداری بوده و با میل نمودن آن به عدد صفر، وضعیت فساد اداری در کشورها بدتر می‌شود. دلیل استفاده از شاخص ادراک فساد در این مطالعه آن است که این شاخص نسبت به شاخص‌های دیگر، اطلاعات جامعی در خصوص موارد مختلف فساد اداری ارائه می‌نماید. برای محاسبه این شاخص از بررسی‌ها و گزارش‌های سازمان‌های مختلف بین‌المللی نظیر بانک جهانی و سازمان شفافیت بین‌المللی استفاده شد. شاخص فقر انسانی که برای کشورهای در حال توسعه با HPI-1 نشان داده می‌شود، به صورت زیر محاسبه می‌گردد:

$$HPI - 1 = [1/3(P_1^\alpha + P_2^\alpha + P_3^\alpha)]^{1/\alpha} \quad (2)$$

در رابطه فوق،  $P_1$  معرف احتمال عدم زنده ماندن افراد تا سن ۴۰ سالگی،  $P_2$  نرخ بی‌سوادی بزرگسالان و  $P_3$  نیز بیانگر نسبت جمعیت دارای دسترسی نامناسب به آب آشامیدنی سالم و کودکان دارای کمبود وزن در بدو تولد می‌باشد.

لازم به ذکر است در این رابطه  $\alpha = 3$  است. متغیر نرخ تورم نیز بیانگر نرخ رشد شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در نظر گرفته شده و متغیر کیفیت مقررات به‌عنوان متغیر جایگزین برای شاخص‌های عملکرد دولتی تعریف شده است. مقدار این متغیر بین ۲/۵ - تا ۲/۵ بوده که هر چقدر مقدار عددی این شاخص به ۲/۵ نزدیک‌تر باشد، بیانگر بهبود عملکرد دولتی است و میزان مشارکت زنان در دستگاه‌های دولتی به‌عنوان یکی دیگر از متغیرهای مؤثر بر میزان شاخص فقر انسانی در نظر گرفته شده است. برای استخراج آمار و اطلاعات آماری مربوط به متغیرهای کیفیت مقررات از سایت شاخص‌های دولتی<sup>۱</sup>، شاخص ادراک فساد از سازمان شفافیت بین‌المللی<sup>۲</sup>، شاخص فقر انسانی از گزارش توسعه سازمان ملل<sup>۳</sup> و متغیرهای نرخ تورم و نرخ مشارکت زنان بالای ۱۵ سال، از شاخص‌های توسعه بانک جهانی<sup>۴</sup> استفاده شده است. دوره زمانی مورد بررسی نیز سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۰۳ است.

در این بخش به تخمین الگوی پژوهش و رابطه علی از سوی متغیر شاخص ادراک فساد اداری به شاخص فقر انسانی پرداخته شد که نتایج حاصل از تخمین الگو در جدول زیر گزارش شده است<sup>۵</sup>:

1. www.govindicators.org
2. www.transparency.org
3. Human Development Report
4. World Development Indicators

۵. قبل از تخمین الگو، لازم است ارتباط نموداری بین دو متغیر شاخص ادراک فساد و فقر انسانی در گروه کشورهای منطقه منا مشخص شود. این ارتباط بیانگر رابطه معکوس بین شاخص ادراک فساد و فقر انسانی بوده و با بهبود شاخص ادراک فساد، شاخص فقر انسانی کاهش می‌یابد که دلالت بر برقراری یک رابطه معکوس بین این دو متغیر است. نتایج ارتباط پراکنش دو متغیر در پیوست مقاله ارائه شده است.

جدول ۱: نتایج تخمین الگو برای بررسی رابطه علی از سوی متغیر ادراک فساد اداری به شاخص فقر انسانی

متغیر وابسته وقفه دار و متغیرهای توضیحی	الگو (۱)	الگو (۲)	الگو (۳)	الگو (۴)	الگو (۵)
HPI (-1)	۰/۷۲*	۰/۸۹*	۰/۲۹	۱/۰۷*	۰/۲۸
CPI	-۰/۱۹*	-۱/۱۸*	-۱/۴۸***	-۲/۶***	-۲/۲***
INF	---	۰/۰۹*	۰/۰۶**	۰/۱۴*	۰/۰۶***
GENDER	---	---	-۱/۲۹**	---	-۱/۳۱***
RQ	---	---	---	-۴/۷۷**	-۳/۴۲***
Rural	---	---	---	-۰/۵۶**	-۰/۶۵**
Urban	---	---	---	۰/۱۶*	۰/۲۸*
تعداد مشاهدات	۳۹	۳۴	۳۴	۳۴	۳۴
مقدار آماره آزمون Sargan ( $\chi^2$ )	۱۰/۲۳	۳/۴۹	۱۴/۱۴	۲/۵۵	۱۴/۰۳
درجه آزادی	۱۱	۹	۱۴	۹	۱۴
مقدار ارزش احتمال آماره آزمون Sargan	۰/۸۳	۰/۹۱	۰/۹۸	۰/۸۳	۰/۹۶
مقدار آماره آزمون والد ( $\chi^2$ )	۹/۳۶*	۲۶/۳۹*	۳/۲۹***	۳/۷۶***	۴/۱۹**

\*\*\*،\*\*،\* به ترتیب معنی داری در سطح ۱، ۵ و ۱۰ درصد است.

نتایج حاصل از تخمین الگو بیانگر این است که مقادیر وقفه دار شاخص فقر انسانی دارای تأثیر مثبت و معنی دار بر فقر بوده و متغیر ادراک فساد اداری نیز تأثیر منفی و معنی دار بر شاخص فقر انسانی دارد. به عبارت دیگر با افزایش شاخص ادراک فساد (کاهش فساد اداری)، میزان فقر نیز کاهش می یابد. متغیرهای میزان مشارکت زنان در دستگاه های دولتی و کیفیت مقررات، تأثیر منفی و معنی دار بر شاخص فقر انسانی در کشورهای مورد بررسی دارد. نرخ تورم نیز دارای تأثیرگذاری مثبت و معنی دار بر شاخص فقر انسانی بوده، به طوری که با افزایش نرخ تورم و کاهش رشد اقتصادی، میزان فقر در این گروه کشورها افزایش می یابد. متغیرهای نسبت جمعیت روستایی به کل جمعیت و جمعیت شهری به کل جمعیت به ترتیب تأثیر منفی و مثبت معنی دار بر شاخص فقر انسانی داشته و با افزایش نسبت جمعیت روستایی و تقویت زیرساخت های اقتصادی در این مناطق انتظار بر این است از شاخص فقر انسانی کاسته شود. برای بررسی معتبر بودن متغیرهای ابزاری تعریف شده در الگو از

آزمون سارگان استفاده شده است که نتایج این آزمون دلالت بر مناسب بودن متغیرهای ابزاری تعریف شده<sup>۱</sup> در الگو دارد. لازم به ذکر است که در تمامی الگوهای برآورد شده تأثیر منفی و معنی‌دار فساد اداری بر شاخص فقر انسانی حفظ گردیده که بیانگر ثبات و پایداری الگو برآورد شده است. نتایج آماره آزمون والد برای بررسی وجود و یا عدم وجود رابطه علی از سوی متغیر فساد اداری به شاخص فقر انسانی نیز بیانگر رد فرضیه صفر و وجود رابطه علی از متغیر فساد اداری به شاخص فقر انسانی است. به بیان دیگر فساد اداری علت شاخص فقر انسانی بوده و افزایش شاخص ادراک فساد (کاهش فساد اداری) منجر به کاهش میزان فقر می‌شود. در ادامه به بررسی رابطه علی از سوی متغیر شاخص فقر انسانی به فساد اداری پرداخته شده است که نتایج آن در جدول ۲ ارائه شده است:

**جدول ۲: نتایج تخمین الگو برای بررسی رابطه علی از سوی متغیر شاخص فقر انسانی به شاخص ادراک فساد اداری**

متغیر وابسته وقفه دار و متغیرهای توضیحی	الگوی (۱)	الگوی (۲)	الگوی (۳)	الگوی (۴)	الگوی (۵)
CPI(-1)	۰/۱۳	۰/۲۱	۰/۰۵	۰/۱۹*	۰/۳۲
HPI	-۰/۰۵**	-۰/۰۹***	-۰/۱۳*	-۰/۱۱*	-۰/۱۱**
INF	---	---	---	-۰/۰۱**	-۰/۰۱
Rural	---	-۰/۱۹	---	---	---
Urban	---	۰/۲۶	---	---	---
GENDER	---	---	۰/۲۱*	۰/۱۸*	۰/۱۳**
RQ	---	۰/۲۶	۱/۰۱*	---	۰/۰۱
تعداد مشاهده‌ها	۴۶	۴۶	۴۵	۳۸	۳۸
مقدار آماره آزمون Sargan ( $\chi^2$ )	۹/۳۶	۱۰/۳	۷/۴۷	۶/۸۹	۵/۳۷
درجه آزادی	۱۳	۱۴	۱۳	۱۱	۱۱
مقدار ارزش احتمال آماره آزمون Sargan	۰/۸۳	۰/۹۸	۰/۹۷	۰/۹۳	۰/۹۳
مقدار آماره آزمون والد ( $\chi^2$ )	۵/۳۳**	۳/۹**	۳۴/۶۶*	۳۴/۰۱*	۶/۹*

\*\*\*،\*\*،\* به ترتیب معنی‌داری در سطح ۱، ۵ و ۱۰ درصد است.

۱. در روش داده‌های تابلویی پویا برای حذف اثرات ثابت و رفع همبستگی بین مقادیر وقفه‌دار متغیر وابسته و اثرات ثابت از مقادیر وقفه‌دار مرتبه دوم متغیر وابسته (HPI(-2)) به‌عنوان متغیرهای ابزاری در الگو استفاده شده است.

نتایج حاصل از تخمین الگو در این بخش بیانگر تأثیر منفی و معنی‌دار شاخص فقر انسانی بر متغیر فساد اداری است. بنابراین افزایش در شاخص فقر انسانی منجر به کاهش شاخص ادراک فساد (افزایش فساد اداری) شده و اثرگذاری منفی و معنی‌دار این متغیر بر فساد اداری در تمامی الگوهای برآورد شده حفظ گردیده است. متغیر نرخ تورم نیز دارای تأثیرگذاری منفی و معنی‌دار بر فساد اداری بوده، به طوری که با افزایش نرخ تورم و رشد سطح عمومی قیمت‌ها، شاخص ادراک فساد کاهش یافته و یا میزان فساد اداری افزایش می‌یابد. متغیر کیفیت مقررات نیز تأثیر مثبت بر شاخص ادراک فساد دارد، لذا بهبود در کیفیت مقررات دولتی منجر به افزایش شاخص ادراک فساد (کاهش فساد اداری) می‌شود. نرخ مشارکت زنان بالای ۱۵ سال تأثیر مثبت و معنی‌دار بر افزایش شاخص ادراک فساد داشته، به طوری که با افزایش نرخ مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی و توانمندسازی زنان در امور اقتصادی انتظار بر این است که میزان فساد اداری کاهش یابد. متغیرهای نسبت جمعیت روستایی و شهری نیز به ترتیب دارای تأثیرگذاری منفی و مثبت معنی‌دار بر شاخص ادراک فساد اداری بوده و با افزایش نسبت جمعیت روستایی و بهبود امکانات و موقعیتهای اقتصادی در روستاها می‌توان انتظار داشت شاخص فساد اداری کاهش یابد. نتایج آزمون سارگان نیز مبین عدم رد فرضیه صفر و معتبر بودن متغیرهای ابزاری داشته و الگو برآورد شده به متغیرهای ابزاری دیگری نیاز ندارد. برای آزمون وجود رابطه علی از سوی متغیر شاخص فقر انسانی به فساد اداری از آماره آزمون والد استفاده شده است که نتایج در هر یک از الگوهای برآورد شده بیانگر رد فرضیه صفر و وجود رابطه علی از سوی شاخص فقر انسانی به فساد اداری است، لذا افزایش شاخص فقر انسانی منجر به کاهش شاخص ادراک فساد (افزایش فساد اداری) می‌شود.

### نتیجه‌گیری

هدف اصلی این مطالعه بررسی رابطه علی بین متغیرهای شاخص ادراک فساد و فقر انسانی در کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا طی سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۰۳ بوده است. برای این منظور با توجه به وجود آمار و اطلاعات، شاخص ادراک فساد اداری برای اغلب کشورهای مورد بررسی از سال ۲۰۰۳ به بعد و دوره زمانی اندک از رهیافت داده‌های تابلویی پویا به منظور نشان دادن پویایی الگو استفاده شد و الگو پژوهش در دو حالت برآورد گشت. در حالت اول، متغیر شاخص فقر انسانی به‌عنوان متغیر وابسته تعریف شده و رابطه علی از سوی متغیر فساد اداری به شاخص فقر انسانی در گروه کشورهای مورد مطالعه مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج حاصل از بررسی رابطه علی بیانگر

وجود رابطه علی از سوی متغیر فساد اداری به شاخص فقر انسانی بوده، به طوری که افزایش شاخص ادراک فساد (کاهش فساد اداری) منجر به کاهش میزان فقر انسانی شده است. در وضعیت دوم، متغیر فساد اداری به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده و جهت رابطه علی از سوی شاخص فقر انسانی به فساد اداری مطالعه شده است که نتایج آزمون والد بیانگر وجود رابطه علی از سوی شاخص فقر انسانی به فساد اداری در کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا می باشد. نتایج به دست آمده در این مطالعه با مبانی نظری موضوع و پژوهش‌های تجربی (Negin et al. (2010) و Oriaku et al. (2008) سازگار است. متغیرهای نرخ تورم، نسبت جمعیت روستایی به کل جمعیت و کیفیت مقررات نیز در تمامی الگوهای برآورد شده دارای تأثیرگذاری مورد انتظار و سازگار با مبانی نظری و مباحث تئوریک دارند. به طوری که نرخ تورم تأثیر منفی بر شاخص ادراک فساد داشته و افزایش نرخ تورم منجر به کاهش شاخص ادراک فساد (افزایش فساد اداری) شده است، در حالی که تأثیرگذاری این متغیر بر شاخص فقر انسانی مثبت و معنی دار بوده است. با توجه به نتایج به دست آمده از برآورد الگو، می توان نتیجه گرفت که افزایش شاخص ادراک فساد (کاهش فساد اداری) منجر به بهبود وضعیت شاخص فقر انسانی در کشورهای منطقه منا شده و همچنین ارتقای شاخص فقر انسانی نیز به صورت متقابل می تواند زمینه را برای افزایش شاخص ادراک فساد (کاهش فساد اداری) فراهم نماید. علاوه بر این توانمندسازی زنان در فعالیتهای و امورهای اقتصادی و کاهش نرخ تورم از جمله سیاست‌هایی است که می تواند منجر به افزایش رشد اقتصادی و کاهش شاخص فقر انسانی در این قبیل کشورها شود.

## منابع

### الف) فارسی

- ابونوری، اسماعیل، و عباسی قادری، رضا. (۱۳۸۶). برآورد اثر رشد اقتصادی بر فقر در ایران. *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی/ ایران*، شماره نهم، پیاپی ۳۰، صفحات ۵۲-۲۳.
- باقری، فریده، و کاوند، حسین. (۱۳۸۷). اثر رشد اقتصادی بر فقر و نابرابری در ایران. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال هفتم، شماره ۲۸، صفحات ۱۹۰-۱۷۳.
- پیرایی، خسرو، و قناعتیان، آزاده. (۱۳۸۵). اثر رشد اقتصادی بر فقر و نابرابری درآمد در ایران: اندازه‌گیری شاخص رشد به نفع فقیر. *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی/ ایران*، سال هشتم، شماره ۲۹، صفحات ۱۴۱-۱۱۳.
- پیرحیاتی، لیلیا، راغفر، حسین، و فطرس، محمدحسن. (۱۳۸۸). بررسی تأثیر تجارت خارجی بر شاخص‌های فقر

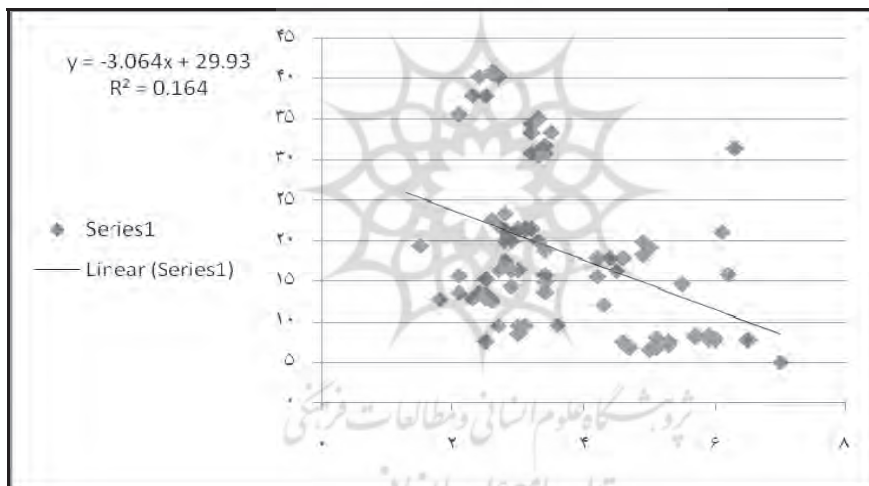
در ایران. مجله تحقیقات اقتصاد کشاورزی، سال اول، شماره چهارم، صفحات ۱۲-۱۰.  
 حسن‌زاده، علی، فوزمسلمیان، مسعود. (۱۳۸۹). ارزیابی آثار جهانی شدن بر فقر، مطالعه موردی کشورهای در حال توسعه. فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال دهم، شماره اول، صفحات ۲۵۴-۲۲۳.  
 عساری‌آرانی، عباس، ناصری، علی‌رضا، و آقایی‌خوندایی، مجید. (۱۳۸۸). تأثیر توسعه مالی بر فقر و نابرابری در کشورهای عضو اوپک (OPEC). فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال نهم، شماره سوم، صفحات ۵۱-۲۹.  
 فرهادی‌نژاد، محسن. (۱۳۸۸). فساد اداری و شیوه‌های کنترل آن. دومین همایش علمی و پژوهشی نظارت و بازرسی. صفحات ۴۶-۲۳.

#### ب) لاتین

- Baltagi, B. H. (4<sup>th</sup> Eds.). (2009). *Econometric analysis of panel data*. England: Wiley Press, West Sussex. PO19 8SQ.
- Chetwynd, E., Chetwynd, F., & Spector, B. (2003). *Corruption and poverty: A review of recent literature*. Management Systems International: Washington, D.C. pp. 1-25.
- Dincer, O., & Gunalp, B. (2008). *Corruption, income inequality, and poverty in the United States*. Fondazione Eni Enrico Mattei Working Papers, No. 213. pp. 1-25.
- Dobson, S., & Dobson, C. R. (2012). Why is corruption less harmful to income inequality in Latin America. *World Development*, 40(8), 1534-1545.
- Fofana, F., & Francis, C. (2006). *The causality between corruption, poverty and growth: A panel data analysis*. Working Paper Series, Les Cahiers du SISERA. pp. 1-24.
- Gupta, S., Davoodi, H., & Alonso-Terme, R. (1998). *Does corruption affect income inequality and poverty*. Fiscal Affairs department: International Monetary Fund (IMF) Working Paper Series. pp. 1-32.
- Gyimah, A., & Brempong, K. (2002). Corruption, economic growth, and income inequality in Africa. *Economics of Governance*, 3(3), 23-45.
- Husted, B. (1999). Wealth, culture and corruption. *Journal of International Business Studies*, 30(2), 339-360.
- Justice, S. (2002). *The effect of corruption on poverty in developing world, Case studies: Kenya and Botswana*. IMF Working Paper Series. pp. 1-33.
- Karstedt, S. (2001). *The culture of inequality and corruption: A cross-cultural analysis of corruption*. Retrieved from [http://www.aic.gov.au/conferences/occasional/karstedt\\_2.pdf](http://www.aic.gov.au/conferences/occasional/karstedt_2.pdf)
- Kaufman, D., Kraay, A., & Mastruzzi, M. (1999). *Governance matters VII aggregate and individual governance indicators*. Policy Research Working Paper. pp. 1-105.
- Krueger, A. (1974). The political economy of the rent seeking society. *American Economic Review*, 64(3), 291-303.
- Negin, V., Abd-Rashid, Z., & Nikopour, H. (2010). *The causal relationship between corruption and poverty: A panel data analysis*. Department of Economics, Faculty of Economics and Management. University Putra Malaysia (UPM), MPRA Paper, No. 24871. pp. 1-14.

- Oriaku, E., Nwala, K., & Ogwu, A. (2008). Does corruption in developing economies result from poverty or poverty results from corruption. *European Journal of Scientific Research*, 45(4), 683-690.
- Rose-Ackerman, S. (1978). The economics of corruption. *Journal of Public Economics*, 4(3), 187-203.
- Wu, Y., & Zhu, J. (2011). Corruption, anti-corruption, and inter-county income disparity in China. *The Social Science Journal*, 48(3), 435-448.
- You, J. S., & Khagram, S. (2005). A comparative study of inequality and corruption. *American Sociological Review*, 70(1), 136-157.

## پیوست



نمودار ۳: پراکنش شاخص فقر انسانی و شاخص ادراک فساد اداری در کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا